



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

حضرت امام

علی بن موسی الرضا علیهما السلام

و

خاندان نبوت

در آثار سنایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام و خاندان نبوت در آثار سنایی

نویسنده:

محمود مهدوی دامغانی

ناشر چاپی:

بی جا

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهماالسلام و خاندان نبوت در آثار سنایی
۶ مشخصات کتاب
۶ مقدمه
۷ حکیم سنایی در چند سطر
۷ حرم مطهر رضوی در قرن چهارم و پنجم
۸ حضرت علی
۸ حضرت زهرا
۹ حضرت امام حسن
۹ حضرت امام حسین
۹ برخی از ائمه دیگر شیعه
۱۱ پاورقی
۱۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام و خاندان نبوت در آثار سنایی

مشخصات کتاب

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام و خاندان نبوت در آثار سنایی برگرفته از نامه آستان قدس مهدوی دامغانی، محمود مشخصات نشر: [بی جا]: [بی نا]، انتشارات، ۱۳XX مشخصات ظاهری: ۹۶ ص. وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت) شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۹۶۹۲۸

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم در میان شاعران بزرگ ایران عموماً و خراسانیان خصوصاً کسانی که شیعه و سر سپرده مخلص امام بزرگوار حضرت علی بن ابی طالب و فرزندان پاک نهاد آن بزرگ بوده‌اند اندک نیستند. اگر مدایح بزرگان ادب فارسی از خاندان نبوت از قرن سوم هجری تا زمان حاضر استخراج گردد و دواوین شاعران و برخی آثار منشور برگزیده را از این جهت بررسی کنیم ثابت خواهد شد که پیوند روحی ایرانیان که گاه در لباس شعر و گاه در جامه نثر نسبت به خاندان گرامی نبوت جلوه گر شده است سهم عمده‌ای از ادب فارسی را در بر گرفته است. در قرن پنجم و ششم هجری که دوره کمال شعر خراسان و سبک خراسانی است چند شاعر آزاده پر منش که دلباخته سیم و زر فرمانروایان و شیفته دریافت پول و از نقره دیگدان زدن نبودند عقیده خود را با شجاعت و صراحت درباره امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و فرزندان گرامیش علیهم السلام بیان داشته‌اند. برخی از این شاعران در راه اظهار صریح نظر خود خسارت سنگین دیده و تاوان گران پرداخته‌اند. دشمنان فردوسی موضوع تشیع او را بهانه قرار دادند و محمود غزنوی را نسبت به او خشمگین ساختند تا جایی که صله او آن چنان که معهود بود پرداخت نشد و با آن شاعر آزاده خراسانی بدان درجه از نیاز رسید که می گفت «مصیبت بود پیری و نیستی» در عین حال نه تنها از عقیده راستین خود هیچ گونه انصرافی حاصل نکرد بلکه چنین می گفت: منم بنده اهل بیت نبی سر افکنده بر خاک پای وصی بدان گیتی‌ام نیز خواهشگر است که با تیغ تیز است و با منبر است ص ۲۱۷ ج ۵ شاهنامه چاپ ژول مول ناصر خسرو هم که از آیین حنفی دست برداشته و به اسماعیلیان گرویده بود هنگامی که در دره یمگان در تبعید به سر می‌برد و به او پیشنهاد می‌کردند که اگر از عقیده خود دست بردارد برای او در مجلس امیر خراسان مقام و منزلت خاص در نظر گرفته می‌شود چنین می‌گوید: کی ریزم آبروی چو تو بی‌خرد بر طمع آن که توبره پر نان کنم ای بد نصیحتی که تو کردی مرا تا چون فلان خسیس و چو بهمان کنم ص ۳۰۵ دیوان چاپ مرحوم تقوی ضمن همین قصیده خطاب به چاپلوسان و دنیاپرستان دستگاه غزنوی و سلجوقی با قدرت و شدت چنین بیان می‌دارد: زی اهل بیت احمد مرسل شوم تن را رهی و بنده‌ی ایشان کنم جان را ز بهر مدحتِ آل رسول که رود کی و گاهی «حسان» کنم زندان مؤمن است جهان دون زان من همی قرار به یمگان کنم همین شاعر گرامی در قصیده‌ای که آن را مردف به ردیف «محمد» صلی الله علیه و آله و سلم ساخته و از قصاید شیوای دیوانش شمرده می‌شود ضمن عرض ادب به پیشگاه حضرت ختمی مرتبت چنین می‌سراید. نبینی که امت همی گوهر دین نیابد مگر کز بنین محمد محمد بدان داد گنج و دفینش که او بود در خور قرین محمد قرین محمد که بود آن که جفتش نبود مگر حور عین محمد ازین حور عین و قرین گشت پیدا حسین و حسن شین و سین محمد حسین و حسن را شناختم حقیقت بدو جهان گل و یاسمین محمد نیارم گزیدن همی مر کسی را برین هر دوان نازنین محمد ص ۱۰۳ دیوان اما سنائی در این راه ستاره درخشانده‌تری است به ویژه که یکی از قصاید شیوا و گیرا و قدیمی فارسی در مدح امام هشتم علیه‌السلام ساخته و پرداخته‌ی آن عزیز است. این قصیده که خواننده‌ی گرامی در صفحات آینده آن را ملاحظه خواهد نمود قابل شرح و توضیح است و این بنده هم درخور فهم خود تلاش نموده است تا موارد تأثیر اخبار و احادیث را در آن قصیده روشن سازد که شاید پاره‌یی از مشکلات

آن روشن گردد و همین قصیده سبب آمدن آثار سنایی را از لحاظ محتوای آنها به ذکر خاندان نبوت بررسی کنم و چه دریای پر گهری است که مایه اصلی بسیاری از مدایح و مناقب در قرنهای بعد شمرده می‌شود. اگر چه منبع اصلی همه مناقب، قرآن و احادیث است و خوشا به حال کسانی که بتوانند از این دو منبع پر فیض استفاده ببرند و سنایی را در این مورد بهره‌وفی فراهم کرده است و چون توجه بیشتر بر همان مدیحه حضرت رضا علیه‌السلام است در موارد دیگر به اختصار گراییدم. آرزو مندم این کار بسیار خرد مقبول پیشگاه مقدس حضرتش که سلیمان راستین وادی حقیقت است واقع گردد که «ران ملخی نزد سلیمان بردن» خواهد بود.

حکیم سنایی در چند سطر

شاعر نامی و عارف گرانمایه ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی در یکی از سالهای دهه‌ی ششم یا هفتم قرن پنجم در شهر غزنین زاده شد و در سال ۵۳۵ یا ۵۴۵ درگذشت [۱] اهمیت او تا بدان درجه است که نه تنها سبک و شیوه تازه‌ای در ادب فارسی گشود که گروه زیادی از او پیروی نمودند بلکه مورد احترام عمیق بزرگان مکتب عرفان فارسی قرار گرفته است. دولت شاه سمرقندی در تذکره خود این بیت را از قول مولوی نقل می‌کند که نشان دهنده اهمیت سنایی در نظر اوست: عطار روح بود و سنایی دو چشم آن ما از پی سنایی و عطار آمدیم زیادی آثار آموزنده او دلیل بر فراوانی کار و همت سرشار اوست. خوشبختانه سنایی از شاعرانی است که آثارش از تطاول روزگار محفوظ مانده است و بدون تردید یکی از عوامل آن کثرت شیوع و توجه زیاد اهل فضل به آنها بوده است. بدون تردید او را باید از ستارگان درخشان ادب و فرهنگ ایرانی و اسلامی شمرد و به حق سرخیل سپاه شاعران عارف فارسی زبان است. اگرچه درباره مذهب او نویسندگان آراء گوناگون را بر شمرده و اظهار نظر صریح ننموده‌اند ولی این بنده به مواردی برخورده است که او برای ائمه شیعه قائل به عصمت انبیاء اولوالعزم است آیا غیر شیعی فی‌المثل برای امام هشتم ادعای عصمت می‌نماید؟ بهتر است قضاوت در این باره پس از مطالعه تراوش‌های فکری او درباره اهل بیت به خوانندگان گرامی واگذار گردد.

حرم مطهر رضوی در قرن چهارم و پنجم

با توجه به این که بحث در این باره خارج از این مقاله است در کمال اختصار و ایجاز برای روشن شدن ذهن برخی از خوانندگان گرامی عرض می‌کنم که آستان قدس رضوی از همان قرن سوم هجری مورد توجه کامل شیعیان و به ویژه خراسانیان بوده است. شیعیان و ارادتمندان از راه‌های دور برای کسب فیض و زیارت به آن درگاه روی می‌آوردند. صاحب بن عباد وزیر ادیب و دانشمند به عنوان عرض ادب و درود و ستایش امام دو قصیده شیوا به زبان عربی سروده است که در صفحات ۵ تا ۷ کتاب عیون اخبار الرضا نوشته شیخ اجل صدوق رحمه الله تعالی درج شده است و می‌دانیم که شیخ درگذشته به سال ۳۸۱ است که اکنون بیش از هزار سال از وفات او می‌گذرد. چگونگی توجه امرایی چون رکن الدوله دیلمی و امیر ابو منصور بن عبدالرزاق و توجه مردم گرفتار به آستان مقدس رضوی از صفحه ۲۷۸ تا ۲۸۸ همان کتاب ارزشمند (ج ۲ چاپ دارالعلم قم ۱۳۷۷ ق) آمده است که باید بدانجا مراجعه نمود. نباید تصور کرد که فقط امرای شیعی به آبادی حرم مطهر رضوی توجه داشته‌اند بلکه سلسله‌های غزنوی و سلجوقی نیز در کمال خضوع و فروتنی نسبت به آبادی و معمور بودن آستان قدس رضوی کوشیده‌اند. در این باره مناسب است به موضوعی که در کامل التواریخ ابن اثیر «ص ۴۰۱ ج ۹ چاپ بیروت» آمده است اشاره شود که از جمله کارهای خیر محمود غزنوی تجدید ساختمان حرم مطهر و رفع مزاحمت از زائران آن حضرت بوده است. در نتیجه‌ی توجه محمود گروه زیادی از سران سپاه و درباریان او هم نسبت به گسترش ساختمان و وقف اوقافی بر مزار آن حضرت اقدام نموده‌اند که به مواردی از آن در تاریخ بیهقی اشاره شده است. بنابراین در دوره سنایی آستان قدس رضوی معمور و مورد توجه کامل مشتاقان بوده است. اینک نخست به برخی از سروده‌های او

درباره پیشوایان دیگر نگاهی می‌کنیم و سپس قصیده او را درباره حضرت رضا علیه اسلام مطالعه خواهیم نمود.

حضرت علی

در دیوان سنایی و در حدیقه الحقیقه و در مثنویها از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام با اسامی مختلف و القاب گوناگون در کمال حرمت و تجلیل یاد شده است. بیرون آوردن همه موارد سخن را به درازا می‌کشاند ولی چون یکی از هدفها در این مقاله ارائه مواردی است که دلالت روشن بر تشیع سنایی داشته باشد به چند بیت که این منظور را به طور وضوح تأیید می‌نماید اشاره می‌شود. سلطان سنجر سلجوقی که از طرف اسماعیلیان به مرگ تهدید شده است ضمن نامه‌ای از سنایی درباره مذهب او و آیین درست اسلامی سؤال می‌کند پاسخ سنایی را اگر به دیده انصاف بنگریم در تشیع او هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند آن هم تشیعی آمیخته با شجاعت و بی باکی. کار عاقل نیست در دل مهر دلبر داشتن جان نگین مهر مهر شاخ بی بر داشتن احمد مرسل نشسته کی روا دارد خرد دل اسیر سیرت بوجهل کافر داشتن ای به دریای ضلالت در گرفتار آمده زین برادر یک سخن بایست باور داشتن بحر پر کشتی است لیکن جمله در گرداب خوف بی سفینه‌ی نوح نتوان چشم معبر داشتن گر نجات دین و دل خواهی همی تا چند از این خویشان چون دایره بی پا و بی سر داشتن من سلامت خانه‌ی نوح نبی بنمایم تا توانی خویشان را ایمن از شر داشتن شو مدینه علم را در جوی و پس در وی حرام تا کی آخر خویشان چون حلقه بر در داشتن؟ چون همی دانی که شهر علم را حیدر در است دیو را بر مسند قاضی اکبر داشتن از تو خود چون می‌پسند عقل نابینای تو پارگین را قابل تسنیم و کوثر داشتن مَر مرا باری نکو ناید ز روی اعتقاد حق حیدر بردن و دین پیمبر داشتن کسانی که مایل باشند تمامی این قصیده را ملاحظه کنند لطفاً به صفحات ۲۵۰ تا ۲۵۲ دیوان سنایی چاپ آقای دکتر مصفا مراجعه فرمایند تا شواهد روشن دیگری که در آن آمده است از نظرشان دور نماند. توجه خواهید داشت که این قصیده در پاسخ سنجر است و سنایی با شهادت فوق العاده خود آنچه را که خواسته گفته است. در حدیقه تنها در یک ستایش ۱۸ صفحه را به مدح امام بزرگوار علی بن ابی طالب اختصاص داده است لطفاً به این چند بیت که از آن صفحات گزیده شده است توجه فرمایید. آن ز فضل آفت سرای فضول آن علمدار و علم دار رسول نامش از نام یار مشتق بود هر کجا رفت همراهش حق بود محرم او بود کعبه جان را محرم او بود سر یزدان را هر که تن دشمنست و یزدان دوست داند الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ اَوْسَتْ در همین مدحیه درباره کناره گیری ظاهری آن حضرت از خلافت چنین می‌گوید: نه علی از خسان زبون بودی شیر با گاومیش چون بودی صورت ملک را که روح نداشت از پی مرد صورتی بگذاشت ملک معنی گرفت و نیک براند آیت عزل خویشان بر خواند

حضرت زهرا

در دیوان و در حدیقه ضمن مدایح ائمه و نصایح اخلاقی و در باب نشان دادن انسانهای نمونه مکرر در مکرر از حضرت زهرا با نامهای مختلف «بتول، زهرا، فاطمه» و القاب «خیر النساء، سیده النساء» در کمال احترام نام برده شده است اما مدیحه مستقل و جداگانه‌ای درباره آن حضرت نسروده است و این بنده تصور می‌کنم در این مورد سنایی یک نوع ادب و عفت را رعایت نموده است زیرا برای هیچیک از همسران حضرت ختمی مرتبت هم که برخی از ایشان چون خدیجه و ام سلمه و ماریه مورد تکریم کامل شیعیان هم هستند مدیحه‌ای نسروده است برای نمونه یکی دو بیت که در آنها ذکر نام حضرت زهرا شده است آورده می‌شود. سراسر جمله عالم پُر زناند زنی چون فاطمه خیر النساء کو؟ ص ۳۰۰ دیوان جده من خدیجه زین زمان مادرم فاطمه چراغ جنان ص ۲۶۴ حدیقه

حضرت امام حسن

ذکر نام امام دوم و عرض ادب به آستان او مکرر در دیوان و حدیقه آمده است. در باب سوم حدیقه که عنوان آن «فی نعت النبی علیه‌السلام و فضائل اصحابه» می‌باشد چهار صفحه مناقب و فضایل امام حسن مجتبی علیه‌السلام است در عنوان برای امام لقب «امیر المؤمنین» را برگزیده است که خود در خور دقت است اینک نمونه را چند بیت از آن بخش آورده می‌شود: قره العین مصطفی او بود سید القوم اصفیا او بود چون علی در نیابت نبوی کوثر داعی و عدوی داعی منهج صدق در دلائل او مهتری زنده در مخایل او بود مانند جد به خلق عظیم پاک علق و نفیس عرق و کریم ص ۲۶۳ حدیقه بیت دوم از ابیات بالا هم در خور توجه است و نشان دهنده اعتقاد شیعی شاعر. در حدیقه علاوه بر این در آنجا که صفت مرگ پیامبران را بیان می‌کند در سه بیت از امام دوم نام می‌برد در دیوان هم موارد دیگری نیز هست که چون قرار بر اختصار است به همین اندازه بسنده می‌شود.

حضرت امام حسین

در مورد امام سوم در حدیقه پس از ذکر مناقب امام دوم شش صفحه اختصاص یافته است برای آن حضرت هم در عنوان از لقب «امیر المؤمنین» استفاده شده است و اینک چند بیت از آن بخش را ملاحظه می‌نمایید. پسر مرتضی امیر حسین که چنونی نبود در کونین همت او و رای قمه عرش نام او گستریده در همه فرش نبوی جوهری ز بحر جلال یافته از کمال صدق جمال عقل در بند عهد و پیماننش بوده جبریل مهد جنانش اصلها ثابت اشاره حق سوی این سرو گفتمش مطلق آن مثال نبی و عالم زین وارث مصطفی امیر حسین ص ۲۶۸ حدیقه بیانی دیگر درباره کربلا و بارگاه حسینی دارد که بسیار نیکو و استوار است و نشان می‌دهد که از دل گوینده سرچشمه گرفته است مطلع آن چنین است: حَبْدًا کربلا و آن تعظیم کز بهشت آورد به خلق نسیم ص ۲۷۰ حدیقه در دیوان هم در پاسخ قصیده عارف زرگر و در جاهای دیگر از امام حسین علیه‌السلام یاد شده است اینک به دو سه بیتی که از دیوان برگزیده شده است توجه فرمایید: خرمی چون باشد اندر کوی دین کز بهر حق خون روان گشتست از حلق حسین در کربلا ص ۱۷ دیوان درد این باد هوا در تن هر کس که شود هست دردی که به جز سوختنش درمان نیست ص ۵۷ دیوان

برخی از ائمه دیگر شیعه

از حضرت «علی الاصر» در حدیقه دو مرتبه یاد شده است و توجه خواهید داشت که برخی از مورخان «مانند یعقوبی» معتقدند که مقصود از (علی الاصر) حضرت سجاد علیه‌السلام است. علی الاصر ایستاده به پای وان سگان ظلم را بداده رضا شهر بانوی پیر گشته حزین علی اصغر آن دوزخ پر چین ص ۲۷۰ حدیقه درباره امام پنجم این بنده در فهارس دیوان و حدیقه مطلبی ندید و نیز در مورد امام صادق علیه‌السلام به جز سه بیت در دیوان و حدیقه مطلبی نیامده است و تقریباً در مورد این دو بزرگوار به سکوت برگزار شده است و چون ممکن است برای برخی از خوانندگان گرامی این تصور پیش آید که چگونه سنایی سر سپرده مخلص خاندان عصمت و طهارت در باب دوم حدیقه که همه آن ستایش از بزرگان اسلام و از جمله ابوحنیفه و شافعی است و در باب امام صادق علیه‌السلام مطلبی نسروده است باید توضیح داده شود که اولاً مذاهب اصلی که بنا به اعتقاد اهل سنت چهار مذهب عمده مالکی، حنبلی، حنفی و شافعی است در حدیقه همه آنها ذکر نشده است چنان که از مذهب مالکی و حنبلی مطلقاً نامی نیامده است و این شاید بدان جهت باشد که مذهب غالب در خراسان حنفی و شافعی بوده است و چون مذهب فقهی خاندانهای غزنوی و سلجوقی حنفی و مذهب گروهی از وزرا چون نظام الملک شافعی بوده است سنایی در باب دوم حدیقه فقط به ذکر دو مذهب مذکور و تمجیدی از دو پیشوای آن اکتفاء نموده است. به علاوه اگر ذکر مطلبی در آثار کسی نباشد دلیل بر عدم اعتقاد نویسنده

بر آن نیست در عین حال این بنده تصور می‌کند که شاید برخوردهای شدید میان اسماعیلیان و سلجوقیان و رواج بازار اتهام قرمطی دانستن اشخاص از موجباتی بوده است که سنایی را در مورد امام صادق علیه‌السلام تا اندازه‌ای وادار به سکوت نموده باشد. معذک در دیوان سنایی در همان قصیده خطاب به سنجر چنین می‌خوانیم گر همی مؤمن شناسی خویشتن را بایدت مهر زر جعفری بر دین جعفر داشتن ص ۲۵۱ دیوان در قصیده دیگری در دیوان خطاب به خود چنین سروده است: گرد جعفر گرد گر دین جعفری جویی همی زانکه نبود هر دو هم دینار و هم دین جعفری ص ۳۳۶ دیوان ملاحظه می‌فرمایید با آن که نسبتاً درباره امام صادق علیه‌السلام به خموشی گراییده است در همین دو بیت آنچه را که بایست بگوید گفته است. از حضرت موسی بن جعفر در همان قصیده خراسان در کمال احترام نام برده و عظمت حضرت رضا را در این می‌داند که در دامان حضرت موسی بن جعفر پرورش یافته‌اند. درباره حضرت مهدی علیه‌السلام در حدیقه و در دیوان اشاراتی آمده است به شرح زیر: در ذیل فصلی با عنوان «فی اتباعه صلوات الله علیه» که مراد پیروان پاک قلب حضرت ختمی مرتبت است چنین می‌خوانیم: خلق او آمد از نکو عهدی روح عیسی و قالب مهدی ص ۱۹۹ حدیقه در مورد دیگری چنین آمده است: ای به دم جفت عیسی مریم دام دجال بر کن از عالم اندرین روزگار بد عهدی چیست جز عدل هدیه مهدی؟ ص ۵۸۱ حدیقه در دیوان او هم این چنین آمده است: ای دریغا مهدی ای که امروز از هر گوشه‌ای یک جهان دجال عالم سوز سر بر کرده‌اند ص ۸۸ دیوان گر مخالف خواهی ای مهدی در آ از آسمان ور موافق خواهی ای دجال یکره سر بر آر ص ۱۱۰ دیوان همیشه منتظم هدیه هدایت را و لیک مهدی در مهد نیست منتظم ص ۲۰۲ دیوان پیش از آغاز به قصیده مدیحه حضرت رضا علیه‌السلام تذکر می‌دهیم که سنایی در قصیده دیگری که مردف به ردیف «کو؟» است و مطلع آن چنین است: جهان پر درد می‌بینیم دوا کو؟ دل خوبان عالم را وفا کو؟ ضمن اظهار تأسف از موجود نبودن نمونه‌های بارز فضایل در دوره خود درباره امام چنین می‌گوید: سراسر جمله عالم پر امامست امامی چون علی موسی الرضا کو؟ اما قصیده مدحیه حضرت رضا دارای ۳۸ بیت است و در دیوان چاپ آقای دکتر مظاهر مصفا از صفحه ۲۴۲ تا ۲۴۴ چاپ شده است وزن آن بنا به استخراج ایشان هزج مسدس مقبوض محذوف «مفعول مفاعیلن فعولن» است. دین را حرمیست در خراسان دشوار ترا به محشر آسان از معجزه‌های شرع احمد از حجت‌های دین یزدان همواره رهش مسیر حاجت پیوسته درش مشیر غفران چون کعبه پر آدمی ز هر جای چون عرش پر از فرشته هزمان هم فر فرشته کرده جلوه هم روح وصی در او به جولان از رفعت او حریم مشهد از هیبت او شریف بنیان از دور شده قرار زیرا نزدیک بمانده دیده حیران از حرمت زایران راهش فردوس فدای هر بیابان قرآن نه درو و او اولوالامر دعوی نه و با بزرگ برهان ایمان نه و رستگار از او خلق توبه نه و عذرهای عصیان از خاتم انبیا درو تن از سید اوصیا درو جان آن بقعه شده به پیش فردوس آن تربه به روضه کرده رضوان از جمله شرطهای توحید از حاصل اصل‌های ایمان زین معنی زاد در مدینه این دعوی کرده در خراسان در عهده موسی آل جعفر با عصمت موسی آل عمران مهرش سبب نجات و توفیق کینش مدد هلاک و خذلان مأمون چو به نام او درم زد بر زر بفزود هم درم زان هوری شد هر درم بنامش کس را درمی؛ زدند زین سان؟ از دیناری همیشه تا ده نرخ درمی شدست ارزان بر مهر زیاد آن درمها از حرمت نام او چو قرآن این کار هر آینه نه بازیست این خود به چه گل کنند پنهان؟ ز دست به نام هر خلیفه سیمست به ضرب خان و خاقان بی نام رضا همیشه بی نام بی شان رضا همیشه بی شان با نفس تنی که راست باشد چون خور که بتابد از گریبان بر دین خدا و شرع احمد بر جمله ز کافر و مسلمان چون او بود از رسول نایب چون او سزد از خدای احسان ای مأمون کرده با تو پیوند وی ایزد بسته با تو پیمان ای پیوندت گسسته پیوند و آن پیمانت گرفته دامان از بهر تو شکل شیر مسند درنده شده به چنگ و دندان آن را که ز پیش تخت مأمون برهان تو خواننده بود بهتان با درد جحود منکرش را اقرار دو شیر ساخت درمان از معتبران اهل قبله وز معتمدان دین دیان کس نیست که نیست از تو راضی کس نیست که هست بر تو غضبان اندر پدرت وصی احمد بی‌تیسست مرا به حسب امکان تضمین کنم اندرین قصیده کین بیت فرو گذاشت نتوان ای کین تو کفر و مهتر ایمان پیدا به تو کافر از مسلمان در دامن مهر تو زدم دست تا کفر نگیردم گریبان اندر

ملک امان علی راست دل در غم غربت تو بریان و اینک توضیحات مختصری درباره برخی از ابیات: ۱ - در بیت اول قصیده اشاره به حدیثی است که از حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه که فرمود هر کس مرا با دوری مدفنم زیارت کنند در روز قیامت در سه مورد به یاری او خواهم شتافت هنگام توزیع نامه‌های اعمال و گاه عبور از پل صراط و در پای میزان. این حدیث به صورتهای گوناگون نزدیک به هم در چند جای از کتاب عیون اخبار الرضا فراهم آورده شیخ اجل صدوق در گذشته ۳۸۱ هجری قمری آمده است از جمله در صفحه ۲۵۵ ج ۲ چاپ دار العلم قم ۱۳۷۷ هجری قمری. ۲ - در بیت دوم اشاره به اخبار متعددی است که دلالت بر ظهور کرامات از قبر مطهر امام دارد در این باره در همان کتاب عیون اخبار الرضا ۱۳ مورد از صفحات ۲۷۸ تا ۲۸۸ آمده است و مرحوم مجلسی رحمه الله تعالی علیه هم در بحار صفحات ۳۲۶ تا ۳۳۷ ج ۴۹ چاپ آخوندی عینا آنها را بیان داشته است. ۳ - در بیت نهم اشاره به اعتقاد ویژه شیعیان است که «اولوالامر» را فقط بر ائمه دوازده گانه اطلاق می‌نمایم و در این مورد می‌توان به کتاب اصول کافی مرحوم کلینی مراجعه نمود، ص ۲۹۳ ج ۱ اصول کافی با ترجمه فارسی چاپ کتابفروشی علمیه تهران. ظاهراً مقصود از بیت این است که اگرچه قرآن به حضرت علی بن موسی الرضا نازل نشده است ولی مقصود از «اولوالامر» همان حضرت است و در این باره ادعا نمی‌کنم بلکه می‌توانیم برهان بزرگ و دلیل روشن هم ارائه دهیم. ۴ - در بیت یازدهم اشاره به خبری است از حضرت ختمی مرتبت که در بسیاری از کتب قدیمی و معتبر شیعه به این صورت آمده است «ستدفن بضعه منی بارض خراسان» (بزودی پاره‌ای از تن من در زمین خراسان به خاک سپرده خواهد شد). برای اطلاع بیشتر رجوع شود به ص ۴۴۴ ترجمه اعلام الوری اثر ارزنده طبرسی و صفحات ۲۸۳ تا ۲۸۷ ج ۴۹ بحار چاپ آخوندی تهران. ۵ - بیت سیزدهم اشاره به حدیث شریف سلسله الذهب است که از احادیث معروف است و به وسیله حضرت رضا (ع) هنگام عزیمت ایشان از نیشابور ایراد گردیده و خلاصه آن چنین است که امام فرمود پدران من از رسول خدا حدیث کردند که حق تعالی فرماید «کلمه لا اله الا الله دژ استوار من است که هر کس در آن درآید از شکنجه من در زینهارى خواهد بود» و سپس حضرت رضا فرمود از جمله شرایط آن، اعتقاد به من است. این حدیث به صورتهای مختلف در صفحات ۱۳۴ تا ۱۳۶ ج ۲ عیون اخبار الرضا آمده است. مصراع دوم بیت هم اشاره به حدیثی است که به صورتهای گوناگون در کتاب کلینی ص ۳۲۰ ج ۱ چاپ علمیه تهران آمده است. ۶ - در بیت ۱۵ به طوری که ملاحظه می‌کنید سنایی برای حضرت رضا مرتبه عصمت موسی علیه‌السلام را قائل است و دلیل بر کمال خلوص او و شناخت حق امام کما هو حق است. ۷ - مطلب بیت ۱۶ مأخوذ از احادیث متعددی است که در بسیاری از منابع شیعی و سنی آمده است از جمله در صفحات ۱۹۰ تا ۱۹۶ مناقب علی بن ابی طالب علیه‌السلام تألیف مغازلی شافعی در گذشته ۴۸۳ چاپ اسلامیة تهران. ۸ - ظاهراً منظور سنایی در بیت ۱۹ و ۲۰ این است که دینارهای طلایی که به نام دیگران زده شده است در طول زمان به واسطه ساییدگی از ارزش آن کاسته می‌شود ولی درمی که به نام حضرت رضا زده شده است از حرمت نام آن حضرت مانند قرآن مورد حفظ و افزونی مهرورزی خواهد بود. ۹ - در بیت ۲۷ اشاره به مطلبی است که از قول خود حضرت رضا هم درباره ناپایداری پیمان مأمون مکرراً اظهار شده است و از جمله می‌توان به ص ۲۹۲ ارشاد شیخ مفید در گذشته ۴۱۳ چاپ آخوندی تهران مراجعه نمود. ۱۰ - ابیات ۳۰، ۲۹ و ۳۱ اشاره به معجزه است که در مجلس مأمون از حضرت علی بن موسی الرضا ظاهر شد و تفصیل آن در صفحات ۱۷۰ تا ۱۷۲ ج ۲ عیون اخبار الرضا آمده است. ۱۱ - ظاهراً در بیت ۳۸ اطلاق کلمه غربت بدین جهت است که در یکی دو خبر این موضوع آمده است از جمله در امالی صدوق به نقل علامه مجلسی در ص ۲۸۳ ج ۴۹ بحار از قول خود حضرت رضا و نیز در عیون به نقل مرحوم مجلسی در ص ۲۸۶ ج ۴۹ بحار از قول امام صادق علیه‌السلام و شاید به همین جهت باشد که لقب «غریب» بر حضرت رضا صلوات الله علیه، تا این زمان نیز اطلاق می‌گردد.

[۱] برای اطلاع از مقام ادبی و زندگی سنایی مراجعه فرمایید به مقدمات فاضلان دیوان او در چاپهای استادان محترم آقایان مدرس رضوی و مظاهر مصفا و سخن و سخنوران استاد فقید فروزانفر.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

